**بسمه تعالی**

**نمونه فایل رونویسی شده به صورت رسمی**

پس بنابراین می‌بینیم که خود انقلاب، یک برای اینکه نشان بدهد که دیگر این کاخها و این نظام فروپاشیده، خود کاخ را تبدیل به یک فضای عمومی و موزه‌ای می‌کند و دربهایش را در دهه 60 به روی مردم به صورت پراکنده باز می‌کند. در مرحله بعدی می‌بینیم که این رفتار در حوزه فرهنگی و شهری ما شکل می‌گیرد و به تدریج در دوره‌ی دیگری از تغییر و تحولات فکری و حاکمیتی که با دوران سال 76 به بعد آغاز می‌شود، ما وارد یک دوره و عرصه‌ی جدیدی از رفتارهای فرهنگی قرار می‌گیریم. دوره‌ای که تغییرات خاصی را شامل حال آن می‌شود. تغییراتی را که قبلا در یک سری حوزه‌ها شده بود. اداره کل کاخ موزه‌ داشتیم در کنار اداره کل موزه‌ها. در طی این زمان یعنی بین سال 66 تا سال 76، در این ده سال، یک سازمانی به اسم میراث فرهنگی تشکیل شده که با تغییر و تحولات آن، بصورت پژوهشگاه درآمد.

 یعنی اینکه پژوهش، تحقیق در کنار حفاظت با معرفی، ارکان حوزه‌ی میراث فرهنگی را دارد. قانون مصوب سال 64 که قانون در مجلس سوم تایید می‌شود به عنوان قانون میراث. یک قانون پیشرفته زمان خودش، بخاطر اینکه بسیار مسائل را عام و عمومی و در زمینه اموال میراث را می‌بیند و این قانون دست‌آویز سازمانی است که از ترکیب نهادها ادارات و موزه‌ها و دیگران است، بوجود آمده و از این زمان به بعد حضور موثرتری را در سطح جامعه خودش دارد ایفا می‌کند. یعنی به تدریج از توی حاشیه بودن بخاطر موضوعی که گفتم در ابتدای انقلاب، درآمده حالا بصورت یک موضوعی که باید به آن توجه کرد، درمی‌آید.

این رفتار را ما در این دوره شاهدیم. اتفاقات مهمی که در این زمان می‌افتد این است که دولت وقت، در برنامه سوم توسعه خود اعلام می‌کند، که هر نهادی باید بخشی از سرمایه‌هایش را، درآمدهایش را، حالا در حوزه‌ی درآمدهای پژوهشی، اختصاص به ایجاد موزه‌ای از آن نهاد و پدیده بدهد. به همین دلیل می‌بینیم سازمانهایی مثل وزارت مخابرات و پست و تلگراف که نزدیک ماست، یا وزارتخانه‌های مختلف مثل برق و غیره و نیرو شروع می‌کنند موزه درست ‌کنند و این موزه‌ها البته از دهه 70 دیگر بر اساس یک قانونی شکل گرفتند که در سال 76، شاهد توسعه‌ی آن هستیم که حتی وزارت اطلاعات هم بخشی از آن را تبدیل به موزه، مثل عبرت می‌کند. این در حوزه‌ی نهاد دولتی، یک توسعه‌ی خیلی خاص است که انجام می‌شود. اگرچه ما دنبال نقد نوع موزه نیستیم، که اینها فقط افتتاحیه‌اش خوب است، ادامه‌ و برنامه و جایگاه آن، بخش آموزشی آن در نقش ترویجی و ارتباطی آن، آنها یک بحث دیگر است، ما داریم از یک وجود و بوجود آمدن صحبت می‌کنیم حال حداقل به شکل ناقص نسبت به گذشته که اصلا وجود ندارد.